یاء

جناب حاجی میرزا محمّد افشار علیه بهآء الله

سنهٴ ١٣٠٧

بسم ربّنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

حمد حضرت مقصودی را لایق و سزاست که از حرکت قلم اعلی اهل ناسوت انشاء را مسخّر نمود و از کوثر مکنون در آن عظام رمیمه را بحیوة جدیدهٴ بدیعه فائز فرمود تعالی تعالی فضله و تعالت رحمته و تعالت عظمته و سلطنته من یقدر ان یحصی بدائع عنایاته و جوامع اوامره و الطافه هو الّذی جعل کلمة من کلماته علم الهدایة من عنده و رایة امره بین عباده و بها اظهر القیامة و اسرارها و السّاعة و اشراطها طوبی لعارف عرف ما ظهر من عنده و لعالم شاهد ما اشرق من افق سمآء جوده البهآء و الذّکر و الثّنآء علی اولیائه و اصفیائه الّذین سمعوا ندائه الأحلی و فازوا بکلمة بلی بلی یا فاطر السّمآء و مالک ملکوت الأسمآء اولئک عباد فائزون و عباد مکرمون و عباد مستقیمون و هم انصار اللّه و ایادی امره و مطالع اسمائه الحسنی و صفاته اخذوا الرّحیق من ید عطائه رغماً لأعدائه و شربوا باسمه امام وجوه خلقه انّه هو مؤیّد اولیائه و مشیّد ارکان امره و رافع احبّائه و مظهر مقاماتهم و شؤونهم فی مملکته انّه هو القویّ الغالب العلیم الحکیم

 دستخطّ عالی با ارمغان بیان و معانی باین خادم فانی رسید فی‌الحقیقه هر کلمه‌اش کأسی بود مملوّ از سلسبیل محبّت و وداد چه که مزیّن بود بذکر و ثنای مالک ایجاد و مولی العباد مکرّر قرائت شد و از هر کرّه عرف جدیدی بمشامّ حقیقی رسید سبحان‌اللّه نفحاتش بساط سرور گسترد و فوحاتش فرحی مقدّس از مقام عباد آورد و بعد قصد جنّت علیا و فردوس اعلی نموده امام مولی الوری عرض شد و بشرف اصغا فائز گشت اذاً ماج بحر بیان ربّنا الرّحمن و نطق مکلّم الطّور اذ کان مستویاً علی عرش الظّهور بما ظهر به کنوز العرفان فی الامکان امام وجوه الأدیان و نادی المناد من شطر السّجن اسمعوا ندآء اللّه المرتفع من اعلی المقام قوله تبارک و تعالی

هو النّور اللّامع السّاطع من افق سمآء العرفان

م‌ح افرح بما اراد ان تتحرّک علی ذکرک یراعة اللّه المهیمن القیّوم انّا ذکرناک مرّةً بعد مرّة و ارسلنا الیک الواحاً شتّی الّتی ماج فی کلّ کلمة من کلماتها بحر بیان ربّک المهیمن علی الغیب و الشّهود و لاحت من آفاقها شموس المواهب و الألطاف انّ ربّک یرید من اراده و یحبّ من احبّه و یذکره بما یبقی به اسمه و اثره بدوام الملک و الملکوت انّ المظلوم یذکرک فی بحبوحة الأحزان فضلاً من عنده علیک لتشکر ربّک مالک الوجود لم یمنعه ظلم الأعدآء و لا سطوة کلّ آمر محجوب کنّا مستویاً علی اریکة العدل ورد العبد الحاضر بکتابک و قرأه امام الوجه وجدنا منه عرف خضوعک و خشوعک و توجّهک الی اللّه ربّ هذا المقام المحمود طوبی لأذنک بما سمعت ندآء اللّه و لعینک بما فازت بمشاهدة آثاره و للسانک بما نطق بثنائه بین عباده انّ ربّک هو الحقّ علّام الغیوب اشهد انّه بالبلآء رفع اسمه الأبهی و اظهر ما کان مکنوناً فی کنز علمه العزیز المحبوب انّا امرنا الکلّ بالأمانة و الدّیانة و الصّدق و الوفآء من النّاس من نبذ امر اللّه ورائه و ارتکب ما ناح به المقرّبون اخذ البغی و الفحشآء و نبذ البرّ و التّقوی و نطق بمفتریات ما سمعت اذن الدّنیا شبهها یشهد بذلک من ینطق فی هذا البیت المعمور قل

 الهی الهی تری اغنامک بین ذئاب الأرض و امنائک تحت براثن الخیانة ای ربّ اسألک ببحر آیاتک و انوار فجر ظهورک و بندائک الّذی جعلته کوثر الحیوان لأهل الامکان و باسمک الّذی به اضطربت افئدة الأدیان ان تزیّن عبادک بطراز الصّدق و الانصاف وفّقهم علی هدایة ما فات عنهم عند تجلّیات انوار شمس ظهورک ثمّ ایّدهم علی الرّجوع الی بساط عفوک و غفرانک و القیام لدی باب جودک و کرمک ای ربّ خلّص عبادک من ظلم الظّالمین و سطوة المعرضین ثمّ احفظهم بجنود الغیب و الشّهادة انّک انت المقتدر علی ما تشآء و المهیمن علی الأشیآء لا اله الّا انت الفیّاض الفضّال العلیم الخبیر

 یا ایّها الشّارب رحیق بیانی قد سمعت ندائی الأحلی باللّغة الفصحی و نحبّ ان نذکرک باللّغة النّورآء لازال این مظلوم در دست اعدا بوده وارد آوردند آنچه را که جز حقّ از احصای آن عاجز و قاصر این ایّام ذئاب ارض احاطه نموده و در سرّ سرّ بضرّ این مظلوم مشغول ولکنّ اللّه یعلم خائنة الأعین و خافیة الصّدور آنچه در سبیل الهی وارد شود محبوبست کلمهٴ یعقوب را بِلا ملحق نمودیم اگرچه این ایّام من‌غیر ناصر و معین مشاهده میشویم سوف یبعث اللّه کنائز ارضه و یظهر خزائنها و آن رجالی هستند که مبعوث میشوند بنصرت نبأ عظیم بشأنی که هیچ منعی و هیچ سدّی حائل نشود ایشانند مشارق قدرت و مظاهر قوّت الهی هیچ امری از امور این جواهر لامعهٴ مشرقه را منع نکند و ستر ننماید سبحان‌اللّه اهل بیان الی حین نفحات یوم را ادراک ننموده‌اند احجب از حزب قبل مشاهده میشوند قل

 اسألک یا مالک ملکوت الأسمآء وفاطر السّمآء بمصباحک الّذی ما اراد الّا اصلاح العالم و ما اتّخذ لنفسه زجاجاً و لا بلّوراً و لا حافظاً دونک ان تنوّر افئدة عبادک بنور معرفتک و زیّن رؤوسهم بأکالیل العدل و الانصاف ای ربّ تری الظّالمین اتّحدوا فی تضییع امرک و مقامات امنائک اسألک بارادتک المحیطة و مشیّتک النّافذة ان تحفظهم من شرّ هؤلآء الّذین نقضوا عهدک و میثاقک و کفروا بآیاتک الکبری و بیّناتک العظمی لا اله الّا انت العلیّ الأبهی

 اولیای آن ارض را از قبل مظلوم تکبیر برسان تکبیری که نفحاتش افئده و قلوب را جذب نماید و بافق منیر اِلّا رساند و کل را از قبل مظلوم وصیّت نما بامانت و دیانت و تقوی اللّه مالک الوجود و مربّی الغیب و الشّهود مکرّر فرمودیم در این ظهور اعظم نصرت بحکمت و بیانست نه بسیف و سنان در هر حال باید بتألیف قلوب و اتّحاد نفوس مشغول باشند اعمال طیّبه جند اللّه بوده و هست و اخلاق مرضیّه هادی عباد آنچه سبب اجتناب و احتراز عباد است بعزّ قبول فائز نه و بطراز رضا مزیّن نه اگرچه در محرّم نقطۀ اولی از ملکوت اعلی ظاهر البتّه این فقره محبوب جانست و علّت فرح و انبساط و سبب سرور و نشاط ولکن اکثری از عدم آگاهی اگر فرحی در آن ایّام مشاهده نمایند نعوذ باللّه حمل بر ضغینه و بغضا کنند لذا از مقتضیات حکمت حرمت آن یوم لازم چنانچه این مظلوم در عراق در ایّام محرّم مصائب آن حضرت را ذکر مینمود و در بعضی از مجالس مصیبت حاضر میشد رحمةً للعباد و شفقةً لهم و حضرت اعلی روح ما سواه فداه هم حرمت آن ایّام را ملاحظه میفرمودند آنچه سبب تقرّب ناس و علّت اقبال و توجّه است باید بآن تمسّک نمود الی ان یظهر الأمر لهم این حکم محکم را بعباد برسانید تا کل آگاه شوند و به ما اراده اللّه تمسّک نمایند البهآء المشرق من افق سمآء رحمتی علیک و علی من معک و یحبّک و یسمع قولک فی امر اللّه المقتدر العلیم الحکیم انتهی امید آنکه اولیای الهی با قلوب طاهرهٴ مقدّسه و جنود مذکوره که اخلاق و اعمال طیّبه است بر نصرت امر قیام نمایند از افق هر لوحی نیّر حکمت و بیان مشرق و لائح و کل بآن مأمورند انشآءاللّه آن محبوب نفوس غافله را از اوامر و نواهی الهی آگاه نمایند اگر الی حین به ما اراده اللّه عمل میشد ایران بل ممالک اخری هم بنور امر ساطع و لائح مشاهده میگشت این خادم فانی لازال عرض مینماید

 الهی الهی ایّد اولیائک علی ما یظهر به عنایاتک علی خلقک و امواج بحر عطائک فی مملکتک ای ربّ طهّر افئدة المقبلین من کوثر بیانک و قدّر لهم ما یزیّنهم بطراز العدل و الانصاف فی ایّامک لا اله الّا انت الفضّال العزیز الحکیم

 و امّا استدلالیّهٴ محکمهٴ آن جناب باصغا فائز و قبول فرمودند لو شآء اللّه این ایّام ارسال میشود و اذن طبع هم از افق بیان طالع یسأل الخادم ربّه ان یفتح بخلوصکم و خضوعکم و اقبالکم و ذکرکم و بیانکم ابواب افئدة النّاس انّه اله النّاس و مربّیهم باسمه المربّی الحکیم صدهزار شکر مقصود عالمیان را که هیچ مقبلی را از تجلّیات نیّر کلامش محروم ننمود و عرض جدید آن محبوب امام وجه مالک ملکوت بیان بشرف اصغا فائز و بنور قبول منوّر و مخصوص هر یک از اسامی مذکوره لوح امنع اقدس از سمای عطا نازل و ارسال شد الحمد للّه آن محبوب واسطهٴ فیض فیّاض گشتند و همچنین سبب نزول امطار رحمت فضّال شدند امر نزول آیات بشأنیست که کل از احصایش عاجز و از جمیع جهات در لیالی و ایّام عرایض میرسد و جواب عنایت میگردد و اگر گاهی تأخیر شود دو جهت دارد اوّل آنکه از فضل حقّ جلّ جلاله آن حضرت در مقام اعلی یعنی اطمینان و ایقان ساکن لذا در تأخیر بأسی نه و ثانی کثرت تحریر در جواب عرایضی که بدعاً فائز شده‌اند و البتّه آن محبوب راضی و شاکرند چه که بمائده‌های سماوی و نعمتهای حقیقی مکرّر فائز گشته‌اند هنیئاً لحضرتکم وقتی از اوقات این کلمهٴ علیا از لسان مالک ملکوت اسماء در ذکر آن جناب استماع شد قوله عزّ بیانه یا عبد حاضر جناب میم و حاء بر خدمت قیام نموده انّا جعلناه ساقی کوثر بیان اللّه ربّ العالمین انتهی

 سبحان‌اللّه فضل بمقامیست که صاحبان السن و اقلام از عهدهٴ ذکرش برنیایند تشهد بذلک اوراق جنان اللّه المبیّن العلیم الحکیم اولیای آن ارض را اگر حکمت اقتضا مینماید و اجازه میدهد از جانب این خادم تکبیر و ثنا برسانید حقّ آگاه که در اکثری از احیان از مقصود عالمیان میطلبم آنچه را که در امّ الکتاب مخلّد است انّه هو السّامع المجیب و هو المقتدر القدیر البهآء و الذّکر و الثّنآء علیکم و علی من معکم و یسمع قولکم فی امر اللّه المهیمن القیّوم انّا للّه و انّا الیه راجعون

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ٣ مارس ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۵ بعد از ظهر